

### گردشگری

یک روز بافراموش کاری های

فراموش نشدنی در اطراف پایتخت

دامان آشار کلوگان؛

روح افزا وبستر تمدد اعصاب



روزوا احمدزاده، راهنمای طبیعت گردی

گاهی نه فرصت است که به شهرهای دور تر سفر کنی، نه حس و حال رفتن داری، دلت می خواهد جایی همین اطراف پرسه بزنی و خستگی کار و دودوم شهر را از تنت بیرون کنی. خوشبختانه تهران در دامنه های البرز و در منطقه ای کوهستانی واقع شده است که به راحتی می توان آبشاری، دشتی، دریاچه ای، رودخانه ای، جایی همین نزدیکی ها پیدا و وبستر تمدد اعصاب را فراهم کرد. همیشه اولین گزینه ای که در اطراف پایتخت به ذهنمان می رسد لواسان و روستاهای این منطقه است. با جستجویی کوتاه در نقشه آبشار کلوگان را به عنوان مقصد سفر یک روزهمان برگزیدیم. با چند نفر از دوستان هماهنگ شدیم و صبح روز جمعه به سمت ششمین حرکت کردیم. تغییر کوچکی در برنامه دادیم که هم کلوگان را ببینیم و هم امامه را. قرار بر این شد که از مسیر پیاده روی روستای امامه به سمت آبشار کلوگان برویم. مسیر پاکوب از کنار رودخانه می گذشت و خنکای آب به صورت مان می خورد. صدای پرندگان لاله لای در ختان می پیچید و مادر سکوت روستا حرکت می کردیم. وقت صبحانه فرار سید و کوله ها را زمین گذاشتیم. یکی از دوستان پس از بررسی کامل کوله پشتی اش به یاد آورد که صبح بر اثر خواب آلودگی صبحانه را که فراموش کرده در کوله بگذارد هیچ، نیمی از تنقلات و نوشابه نهار را هم در ریخال جا گذاشته است. بد خلی نکردیم، و در عوض کلی خندیدیم و همین موضوع تا آخر برنامه خنده مان را فراهم کرد.



همگی صبحانه هامان را در میان سفره گذاشتیم و عجب صبحانه رنگینی شد. استراحت مان که تمام شد مسیر رودخانه را گرفتیم و به راهمان ادامه دادیم. گاهی از رودخانه رد می شدیم، گاهی از میان باغ ها می گذشتیم و گاهی مجبور بودیم از شب نه چندان تندی بالا برویم. از دور صدای همه هم شنیدیم و کم کم گردشگران بابلاس های رنگارنگشان پدیدار شدند، و این نوید نزدیک شدن به آبشار کلوگان بود. پای آبشار پر بود از آدم هایی که به گمان آنها هم به قصد دودن آلودگی شهری از روحشان به دامان آبشار کلوگان پناه آورده بودند. این حجم از گردشگر که بیش از ظرفیت منطقه است، سود که ندارد هیچ، محیط زیست منطقه را هم دچار آسیب می کند. کاش می شد فکری برای ظرفیت پذیرش مقاصد گردشگری کرد. چند دقیقه ای را پای آبشار ایستادیم و کمی آنطرف تر زیر سایه درختی در کنار رودخانه برای صرف نهار نشستیم. خوشبختانه آن دوست عجل فراموشکار من نهار را آورده بود و از قضا یادم آورده بود و به پاس تقسیم کردن صبحانه همگی لقمه ای نهار را مهمانش بودیم. هوا آنقدر خوب و دلچسب بود و صدای رودخانه آرام بخش که ساعتی را همانجا ماندیم و زیر سایه درخت استراحت کردیم. از ازدحام جمعیت کنار آبشار دور بودیم و همین امر باعث شد که از آرامش و سکوت فضالذتی دو چندان ببریم. کم کم کوله ها را جمع و به سمت روستا حرکت کردیم. خوشحال بودیم از اینکه یکی از ماشین ها را در کلوگان گذاشته ایم و به احتی به ماشین دوم می رسیم و کنار جاده نمی مانیم... اما این خوشحالی دیری نپایید که متوجه شدیم همان دوست فراموشکار مان که مقادیر زیادی خوراکی در منزل جا گذاشته بود، تیر خلاص را هم با گذاشتن سویچ ماشینش در خودرویی که در امامه پارک بود، به پیکر خسته و بی جانمان زد... و بالاخره آمده به سرمان از آنچه می ترسیدیم: کنار جاده ایستادیم منتظر ماشینی که ما را تا امامه برساند و معطلی و در نهایت ترافیک جاده لواسان. اما خاطره فراموشکاری هایش هیچوقت از ذهنمان پاک نمی شود و فراموش نخواهیم کرد که به قدر تمام عمرش در آن روز وسیله جا گذاشت.

«گردن»، روایتی تراژیک از تنش های فردی است

## لایه های پنهان فروپاشی شخصیت



فاطمه در خشان دکتری جامعه شناسی فرهنگی

«گردن»، خدای کشتار دیگری است، باین تفاوت که به جای اینکه یک کمدی تراژیک در ساره تناقض های دنیای مدرن باشد، روایتی تراژیک از تنش های فردی و فروپاشی شخصیت در اثر روابط اجتماعی متزلزل با اطرافیان است. «گردن» در سطحی ترین لایه معنایی، روایت گر زندگی خانواده هایی از طبقه متوسط است که ظاهر انگران فرزندان و در پی

حفاظت از آنها هستند. والدینی که به خاطر کبودی «گردن» فرزند خردسال خود به مهد کودک آمده اند و برای ابراز این نگرانی به سیستم نظارتی، آموزشی و تربیتی مهد کودک و والدین کودک مقصر، معترض اند. بنابراین در نگاه اول «گردن» بازتاب این نگرانی ها و تلاش برای رفع آن توسط خانواده هایی است که درگیر این مسأله شده اند.

روند ابتدایی داستان، نشان دهنده یک فرایند معمول و معقول است، تصویر خانواده هایی که ظاهراً منسجم هستند و

فرایند زندگی تک تک شخصیت های آن یعنی والدین پچهاومربی مهندخته است. روایت های مستقلی که همه به یک حادثه ختم می شود و آن هم کبودی «گردن» آواست، که رفته رفته با به تصویر کشیده شدن واقعیت ها و شواهدی دیگر، علت این واقعه قطعی مبهم تر و عامل آن در نظر مخاطب تغییر می کند. «گردن» روایت خشونت میان دو کودک نیست، روایت بسیاری از مسائل و تضادهای خانوادگی میان زن و شوهر، والدین و فرزندان، خشونت خانگی، تضاد میان شهروندان یک جامعه، برخی مسائل اخلاقی مانده به وجود آمدن گرایش های جنسی جدید و تأثیر آن بر خانواده و غیره است.

نمایش «گردن»، راوی سرخوردگی ها و ناکامی های اجتماعی، روانی و جنسی شخصیت های داستان از دوران کودکی است که برآیند آن در جلسه گفتگویی ظاهراً متمدنه میان والدین کودکان و در خلال دیالوگ های رد و بدل شده و همه کنش ها و واکنش های شخصیت ها متبلور می شود. تضاد میان والدین فرزندان و ضعف در سیستم تربیتی آنها به دلیل ناکامی ها و تجربیات تلخ دوران کودکی والدین از گذشته تا به امروز در این نمایش تصویر می شود. تک تک دیالوگ ها و حتی مونولوگ ها دارای بار معنایی هستند و نشان دهنده تنش ها، چالش ها و نقاط ضعف و فروپاشی شخصیت ها که در طول زندگی خود تجربه کرده اند.

در پی حمایت و حفظ آرامش و امنیت خود و فرزندان شان اند و در آن سوی دیگر مسئول مهد کودک قرار دارد که در غیاب مادر خود که مدیر اصلی مهد است، تلاش می کند بدون خدشه دار شدن اعتبار مهد کودک در مقابل والدین و اعتبار خود در مقابل مادر، این مسأله ختم به خیر شود.

کبودی «گردن» دختر بچه ای به نام آوا که ظاهراً توسط پسر بچه ای به اسم امیر علی ایجاد شده نقطه شروع داستان است که به نظر می رسد اتفاقی قطعی است. اما داستان اصلی، در لایه های زیرین آن و در پس زمینه

توقیف فیلم ها به این دلیل که باید پیش از هر نمایشی در هر جای دنیا مجوز داشته باشند، پدیده ی تازه ای به نظر می رسد که می تواند شرایط حضور در جشنواره ها را برای سینماگران ایرانی سخت تر کند و در نهایت به انزوای سینمای کشور منجر شود.

#### در یافت پروانه نمایش

**برای حضور در جشنواره های خارجی الزامی است**

مدیر کل دفتر نظارت بر عرضه و نمایش فیلم سناز مان سینمایی، در گفتگویی کوتاه با ایلنا، با تأکید بر لزوم در یافت پروانه نمایش برای حضور در جشنواره های خارجی اظهار داشت: اقدامات سازمان سینمایی در هر موردی قطعاً در چار چوب قانون خواهد بود. فیلم ها برای حضور در جشنواره های خارجی با استناد بر ماده پنج آیین نامه نظارت بر نمایش فیلم، اسلاید، ویدئو و صدور پروانه نمایش موظف به در یافت پروانه نمایش هستند.

روح الله سهرابی، در پاسخ به این پرسش که این قانون به تاژگی مطرح شده یا پیش تر نیز وجود داشته، گفت: این ماده ی قانونی مصوبه ی تازه ای نیست که در قوانین لحاظ شده باشد بلکه مربوط به سال ها پیش است. به طور کل فیلم های ایرانی برای حضور در جشنواره های جهانی موظف به در یافت پروانه نمایش هستند تا امروز هم این قانون کاملاً اجرایی شده اما اگر در برخی موارد که این قانون به اجرا نرسیده، احتمالاً دلایل دیگری داشته است که من اطلاعی از دلایل آن ندارم اما در جریان هشتم کاکثر سینماگران برای حضور در جشنواره های خارجی برای در یافت پروانه نمایش اقدام می کنند.

روایت ها و ارتباط آنها با هم به مخاطب، کمک شایانی می کند. این نوع روایتگری در نمایش «گردن» با توجه به نوع اجرای متفاوت و متمایز آن توسط بازیگران، نقطه قوت قابل توجهی است.

در «گردن»، از هیچ نوع آکسوری جز چند بطری آب استفاده نشده است. بجز در چند نقطه از داستان هیچ ایده خاصی در نورپردازی وجود ندارد، چون شما شاهد فرم اجرای متفاوتی از بازیگران هستید. نوع اجرایی که به روند روایتگری آن کمک می کند. بازی های دیالوگ محور، اکت های کم، حساب شده و نمادین. می توان گفت غالب حرکات بازیگران نمادین است. به نظر می آید این فرم از اجرا یعنی اکت های نمادین بازیگران، خالی بودن صحنه و نبود آکسسوری را توجیه می کند؛ چرا که چنین روایتگری تاریخی و فرآیندی را بی نیاز از صحنه دکوراتیومی کند.

در خلال روایت، مکرراً شاهد استفاده نمادین از «گردن» هستیم که یک عضو میانی و متصل کننده سر به قسمت پایینی بدن است، تفکیک زمانی و مکانی را می توان در جابه جایی های به پیش و پس اندک و محدود بازیگران به خوبی مشاهده کرد.

بیان دیالوگ ها در زمان ها و مکان های مختلف توسط بازیگران در حالی که در یک نقطه ساکن ایستاده اند، از جذابیت های بصری و خلاقانه این نمایش است؛ چرا که تماشاگران را به واکاوی بیشتر در چهره ها و دیالوگ ها وامی دارد. در نمایش «گردن» تماشاگر مدام درگیر جستجو و درک حالات ظاهری مانند تغییرات چهره و صدا و حالات درونی شخصیت هاست، این ویژگی تماشاگر را تا آخر بار وند روایت در گیر می کند.

اما این ویژگی تاحدودی می تواند به عنوان نقطه ضعف نمایش از نسوی تماشاگران به حساب آید؛ چرا که این فرم

«گردن»، خدای کشتار

دیگری است. با این تفاوت

که به جای اینکه یک کمدی

تراژیک در باره تناقض های

دنیای مدرن باشد، روایتی

تراژیک از تنش های فردی

و فروپاشی شخصیت در اثر

روابط اجتماعی متزلزل با

اطرافیان است

اجرا نیازمند مخاطبی فعال، هوشمند و دارای تخیل قوی است که در لحظه بتواند میان شخصیت ها، دیالوگ هایشان، تفکیک های زمانی و مکانی، داستان زندگی تک تک آنها، انواع مسائل اجتماعی و روانی مطرح شده و حادثه محوری داستان را بطه برقرار کرده یا عبارتی قطعات مختلف را مثل یک پازل کنار هم بگذارد و نمادهای مکرری که از سوی بازیگران در یافت می کند را تفسیر کرده یا حتی خودش معنای جدید و متفاوتی به روایت ها بدهد. تا جایی که به گفته رولان بارت با پدیده مرگ مؤلف روبه ر هستیم که نقطه لوح آن هم می تواند انتهای نمایش و پایان نیمه باز آن باشد. به همین دلیل چنین فرمی در نمایش می تواند برخی مخاطبین را دچار ابهام و گنگی در فهم سیر داستان کند.

از نقاط قوت دیگر نمایش «گردن»، روایت داستان در جامعه ایرانی است. «گردن» روایتگر مسائل و تنش های افراد در موقعیت هایی است که برای مخاطب باور پذیر تر است و آوا را قادر به همنازنداری می سازد. به نظر می رسد که امروز برای بیان اما این و مسائل اجتماعی و روانی در میدان تئاتر به چنین نمایش های اقتباس شده، در بستری بومی و محلی نیاز داریم.

**بهتر بود شورای پروانه نمایش درباره فیلم**

**تصمیم گیری کند**

کارگردان و تهیه کننده سینما و دبیر شورای صنفی نمایش، نیز در گفتگو با ایلنا درباره ر خورد سازمان سینمایی در سال های گذشته با مواردی اینچنین خاطر نشان کرد: در باره وجود بانود این ماده قانونی یا حتی اینکه چه زمانی این ماده به آیین نامه اضافه شده، اطلاعی ندارم اما تصور بر این است طی سال های گذشته اگر فیلمی بدون پروانه نمایش به جشنواره های خارجی می رفت و سازمان سینمایی با محتوای آن مشکلی نداشت، کسی برای توقیف فیلم سراغ این ماده قانونی نمی رفت و بحثی هم درباره آن شکل نمی گرفت. این مواد قانونی را می توان نادیده گرفت که اتفاقاً تصمیمی منطقی است و از شکل گیری حواشی جلوگیری می کند. سازمان سینمایی هم می توانست همان روند همیشگی را برای «برادران لیلا» در نظر بگیرد. شاید در نهایت فیلم از سوی شورای پروانه نمایش، غیر قابل نمایش تشخیص داده می شد که بحثی دیگر است و حداقل در این زمان روال طبیعی طی شده بود، اما در یافت یا عدم در یافت مجوز را منوط به یکسری حواشی کردن به نظر تصمیم درستی نیست.

همایون اسعدیان، افزود: من فکر می کنم دوستان مادر سازمان سینمایی به نوعی در مقابل اظهار نظری که ممکن است از سوی سازنده ی فیلم «برادران لیلا» در فستیوال کن صورت گرفته، دست به مقابله به مثل زده اند و قصد دارند با این کار پاسخی به اظهارات صاحبان این اثر بدهند. انتظار ما از نهادهای دولتی ایفای نقش پدران است و اینگونه بر خوردها که نوعی مقابله به مثل است، در شأن یک نهاد دولتی نیست. به اعتقاد من، مسئولان می توانستند بر خوری دوستانه تر یا اصطلاحاً نرم تر داشته باشند.

